

582-186
582-186

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 582

Date of filing: 13 Feb 84

** AWARD - Type of Award Final
- Date of Award 27 Dec 83
_____ pages in English 22 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

582-186
582-186

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داورى دعوى ایران - ایالات

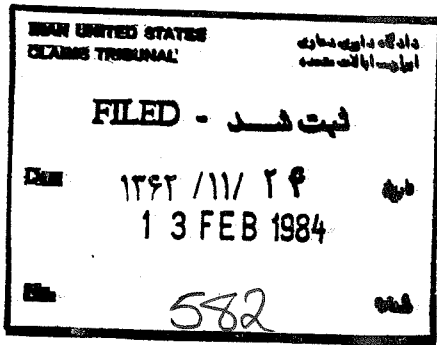
هیات عمومی

حکم

حکم شماره: ۱۰۸- الف- ۱۶- ۵۸۲/۵۹۱- اف تی

پرونده های شماره الف- ۱۶، ۵۸۲ و ۵۹۱

مسئله صلاحیت دیوان داورى جهت رسیدگی به دعاوى بانکهای ایرانی علیه اتباع ایالات متحده، از جمله بانکهای آمریکا، و دولت ایالات متحده آمریکا، مبتنی بر اعتبارات اسنادی احتیاطی صادره توسط موسسات بانکی آمریکا می باشد.



طرفها:

پرونده شماره الف- ۱۶

ایالات متحده آمریکا

و

جمهوری اسلامی ایران

پرونده شماره ۵۸۲

بانک ملت،

خواهان،

و

دولت ایالات متحده آمریکا،

منیو فکچرز هانور تراست کامپنی،

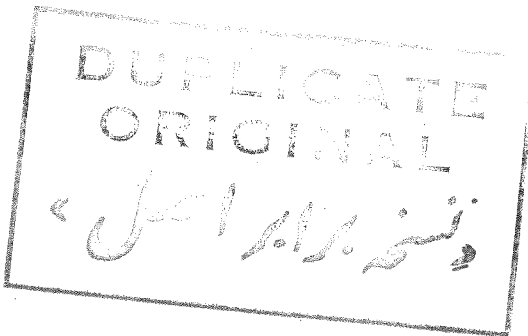
جی تی ای اینترنشنال اینکورپوریتد،

خواندگان.

پرونده شماره ۵۹۱

بانک ملت،

خواهان،



و
دولت ایالات متحده آمریکا ،
کراکرنشال بنک ،
خوانندگان .

اول - دعوی

بانک های ایرانی متجاوز از ۲۰۰ فقره ادعای مبتنی بر اعتبارات اسنادی احتیاطی^{*} صادره توسط بانک های آمریکائی ("دعای بانکهای ایرانی مبتنی بر اعتبارات اسنادی احتیاطی) در این دیوان به شیت رسانده اند. در تعدادی از این پرونده ها در دادخواست از بانک صادرکننده اعتبار اسنادی به عنوان تنها خواننده نام برده شده است. در سایر پرونده ها از پیمانکا ریا طرف حساب آمریکائی ("پیمانکا ریا آمریکائی") که متقاضی صدور اعتبار اسنادی بوده است نیز به عنوان خواننده نام برده شده است. و بالاخره در تعدادی دیگر از پرونده ها هم از دولت ایالات متحده به عنوان خواننده یاد شده است. در تعداد معدودی از دادخواستها دولت ایالات متحده به عنوان خواننده منحصر بفر د ذکر شده است.

در پرونده شماره الف - ۱۶ دولت ایالات متحده به موجب بند ۳ ماده دوم و بند ۴ ماده ششم بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزیره راجع به حل و فصل دعای دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران ("بیانیه حل و فصل دعای") و نیز به موجب بند ۱۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزیره ("بیانیه عمومی") از دیوان داوری درخواست کرده است که حدود صلاحیت دیوان را جهت رسیدگی به دعای بانکهای ایرانی مبتنی بر اعتبارات اسنادی احتیاطی تعیین کند.

شعبه دو دیوان ضمن دستور مورخ ۴ مه ۱۹۸۳ (۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) صلاحیت رسیدگی

* توضیح مترجم - معادل کلمه انگلیسی standby واژه مزبور در چند سال اخیر در سیستم بانکی ایالات متحده رایج شده در مورد آن دسته از اعتبارات اسنادی به کار می رود که ماده پرداخت بوده و در صورت مطالبه توسط مضمون له، قابل پرداخت است.

به دو دعوی مبتنی بر اعتبارات اسنادی احتیاطی بانکهای ایرانی را منحصرا "به منظور استماع و اتخاذ تصمیم درباره اینکه : آیا دیوان داوری به موجب بند ۲ (ب) سند تعهدات یا طبق هر مبنای دیگری دارای صلاحیت رسیدگی به دعاوی مطروح علیه خواندگان در این پرونده‌ها می باشد یا خیر، به دیوان عمومی احاله نمود.

طبق تصمیم دیوان داوری مسئله مطروحه فوق الذکر در پرونده‌های شماره ۵۸۲ و ۵۹۱ همراه با پرونده شماره الف - ۱۶ در جلسات استماع مورخ ۶ و ۷ اکتبر ۱۹۸۳ (۱۴ و ۱۵ مهر ماه ۱۳۶۲) توسط دیوان عمومی مورد استماع قرار گرفت .

با توجه به درخواست مشترک طرفین دائر بر ختم پرونده شماره ۵۸۲، شعبه دو ضمن حکم مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۸۳ (اول آذر ماه ۱۳۶۲) به رسیدگیهای مربوط به پرونده ۵۸۲ خاتمه داد. (۱)

دوم - سابقه امر

اعتبارات اسنادی که موضوع دعاوی بانکهای ایرانی مبتنی بر اعتبارات اسنادی احتیاطی ایران است، جزئی از یک سلسله معاملات دامنه دارتری است که در آنها، از یک سو، یک پیمانکار آمریکائی، و از سوی دیگر، واحدهای ایرانی، به منظور خرید و فروش کالاها و خدمات ذمیمدخل بوده‌اند. بسیاری از این قراردادها، موضوع ادعاهائی را تشکیل می دهند که توسط پیمانکاران آمریکائی در دیوان مطرح گردیده‌اند و این پیمانکاران طرف حسابهای اعتبارات اسنادی هستند که موضوع بسیاری از دعاوی بانکهای ایرانی است. معمولا در این قراردادها - اصلای اصلی، پیش بینی می شد که پیمانکار آمریکائی ترتیبی دهد که یک یا چند ضمانت نامه بانکی توسط یک بانک

(۱) وکیل فورد ارواسپیس اندکا میونیکیشنز کورپوریشن در تاریخ ۲ اکتبر ۱۹۸۳ (۱۰ مهر ماه ۱۳۶۲) درخواست کرد که در پرونده الف - ۱۶ شرکت جوید. نظر به اینکه طبق تبصره ۵ ماده ۲۵ قواعد دیوان داوری به وکیل مزبور اجازه داده شده بود که در این پرونده در ارتباط با جی تی ای اینترنشنال اینکورپوریتد یکی از خواندگان پرونده شماره ۵۸۲، شرکت نماید، اجازه به فورد ارواسپیس اندکا میونیکیشنز کورپوریشن جهت شرکت در پرونده الف - ۱۶ لازم دانسته نشد.

("بانک ایرانی تضمین کننده") به نفع طرف ایرانی قرارداد ("طرف ایرانی") صادر گردد. این ضمانت نامه های بانکی، انواع گوناگونی داشت، اما عموماً نقض آنها این بود که یا طرف ایرانی در ازاء پیش برداختهای که طبق قرارداد انجام می داد بدین ترتیب وثیقه ای در اختیار داشته باشد و یا اینکه خسارات ناشی از تخلف پیمانکار آمریکائی از محل ضمانت نامه پرداخت شود.

معمولاً، در قراردادها پیش بینی می شد که بانک ایرانی تضمین کننده در مقابل طرف ایرانی ضمانت خواهد کرد که به محض مطالبه طرف ایرانی، حداکثر تا میزان مورد تضمین را پرداخت نماید. برای اینکه به استناد چنین تقاضائی وجهی پرداخت گردد، معمولاً شرایط خاصی در ضمانت نامه قید می شد. طبق این شرایط طرف ایرانی معمولاً ملزم به ارائه تصدیق از جانب طرف ایرانی دائر بر اینکه پیمانکار آمریکائی از انجام تعهدات قراردادی خود قصور ورزیده است، بود.

پیمانکار آمریکائی متعهد میگردید تا از طریق اعتبار اسنادی احتیاطی که توسط یک بانک آمریکائی به نفع بانک ایرانی تضمین کننده مفتوح می گردید، موجبات تضمین بانک ایرانی را فراهم آورد. معمولاً بانک آمریکائی به موجب اعتبار اسنادی اخیر الذکر متعهد می گردید که به مجرد اینکه بانک ایرانی تضمین کننده گواهی دال بر الزام خود به پرداخت وجه طبق ضمانت نامه را ارائه می نمود، مبلغ ضمانت نامه را به بانک ایرانی پرداخت کند.

بانک ایرانی تضمین کننده پس از انجام چنین پرداختی حق داشت که وجه پرداختی را با برداشت از اعتبار اسنادی احتیاطی صادره از طرف بانک آمریکائی تامین نماید بانک آمریکائی نهایتاً می بایست بسرای وصول وجه به پیمانکار آمریکائی رجوع کند.

در اوائل ماه نوامبر ۱۹۷۹ چند صد فقره اعتبار اسنادی از این نوع، که متضمن مبالغ قابل ملاحظه ای بود، بصورت معتبر وجود داشت. در تاریخ ۱۴ نوامبر رئیس جمهوری ایالات متحده دستور اجرایی شماره ۱۲۱۷۰ را صادر کرده طبق این دستور انتقال کلیه اموال و حقوق مالی دولت ایران، دستگاهها و واحدهای تحت کنترل آن و بانک مرکزی

ایران که مشمول حوزه قضائی ایالات متحده بوده یا می‌شد و یا به تصرف یا تحت کنترل اشخاص مشمول حوزه قضائی ایالات متحده درمی‌آمد" مسدود گردید.

به دنبال آن، وزارت خزانه داری ایالات متحده به منظور اجرای دستور اجرائی شماره ۱۲۱۲۰ دست به صدور یک سلسله "مقررات مربوط به کنترل داراییهای ایران" زد.

بخش ۵۳۵/۵۶۸، سی.ا.ف.آر. بخش ۵۳۵/۵۶۸ این مقررات که در تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۷۹ (۷ آذرماه ۱۳۵۸) صادر گردید، به اعتبارات اسنادی احتیاطی صادره به نفع واحدهای ایرانی مربوط می‌شود. به موجب این بخش، هر بانک آمریکائی که درخواستی جهت پرداخت اعتبار اسنادی احتیاطی ایران دریافت می‌کرد، مکلف بود تا مراتب را به طرف حساب، یعنی پیمانکار آمریکائی، اطلاع دهد. طرف حساب اجازه داشت که درخواست صدور پروانه‌ای نماید که به موجب آن می‌توانست در دفاتر خود برابر مبلغ مورد مطالبه محیل حساب مسدودی بسازد. پس از انجام این کار بانک از پرداخت وجه اعتبار اسنادی احتیاطی ممنوع می‌گشت. لیکن، اگرچنین پروانه‌ای درخواست یا تحصیل نمی‌شد، بانک محازمی بود که آن مبلغ را به حساب مسدودی که بانک جهت بانگ ذینفع ایرانی بازمی‌کرد، واریز نماید.

از تاریخ صدور دستور اجرائی شماره ۱۲۱۲۰ در ۲۸ نوامبر ۱۹۷۹ (۷ آذرماه ۱۳۵۸) تا اوائل سال ۱۹۸۲ تعداد زیادی از این قبیل اعتبارات اسنادی احتیاطی مورد مطالبه قرار گرفت.

در پاره‌ای موارد، بانک صادرکننده به دلیل آنکه در مطالبه وجه، شرایط صوری مقرر در اعتبار اسنادی مراعات نگردیده به اینگونه تقاضاهای پرداخت ترتیب اثر نداد. در بسیاری موارد دیگر، طرف حساب مدعی شده بود که تقاضای پرداخت تقلب آمیز بوده یا بدلیل دیگر قانوناً "موجه نبوده است". در اکثر این قبیل موارد، طرف حساب از روش مقرر در بخش ۵۳۵/۵۶۸ استفاده کرده و در دفاتر خود حساب مسدودی به وجود آورده و بدین ترتیب مانع از آن شد که بانک وجوهی را به حساب بانکی مسدود شده واریز نماید. تعدادی از طرف حسابها از دادگاههای ایالات متحده قرارهای موقت (قرارهای منع

موقت یا قرارهای مقدماتی) علیه پرداخت اعتبارات اسنادی احتیاطی تحصیل کردند. در سایر موارد، طرف حساب بعد از اطلاع از درخواست پرداخت اقدامی به عمل نیاورده و بانک صادرکننده، مبلغ مورد درخواست طبق اعتبار اسنادی را به حساب بانکی مسدودی به نام بانک ذینفع ایرانی واریز نمود.

کلیه دعوی بانکهای ایرانی مبتنی بر اعتبارات اسنادی احتیاطی در دیوان دآوری به ثبت رسیده منضم به نامه متحدالشکلی به امضاء بانک مرکزی ایران ("بانک مرکزی") به نیابت از طرف بانکهای ایران بوده اند. بانک مرکزی در این نامه مدعی است که دستور اجرائی شماره ۱۲۲۹۴ صادره در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۸۱ (۵ اسفند ماه ۱۳۵۹) که جانشین دستور اجرائی شماره ۱۲۱۷۰ فوق الذکر گشته و همچنین مقررات مربوطه وزارت خزانه داری ایالات متحده ناقض بیانیه عمومی، به ویژه اصل کلی الف است که به موجب آن ایالات متحده متعهد گردیده است که وضع مالی ایران را، حتی المقدور، به وضع موجود قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸) برگرداند و نیز دستور و مقررات مزبور ناقض بندهای ۴ تا ۹ بیانیه عمومی است که طبق آنها ایالات متحده تعهد که موجبات تحرک و انتقال آزاد کلیه داراییهای ایران در درون قلمرو خود را تضمین نماید. دستور اجرائی شماره ۱۲۲۹۴ جریان رسیدگی به دعوی مضمول صلاحیت دیوان دآوری را معلق ساخته، ولی رسیدگیهای مربوط به اعتبارات اسنادی را به اعتبارات اسنادی احتیاطی یا اجراء یا پرداخت اوراق بهاداریا نظائر آنها را از این دستور مستثنی مینماید.

بانک مرکزی به این نقض ادعائی بیانییه الجزیره اشاره کرده و از دیوان می خواهد که در مورد هر پرونده حکمی صادر کرده دولت ایالات متحده را ملزم نماید که به تعهدات خود طبق اصول کلی الف و ب بیانیه عمومی عمل کند. همچنین بانک مرکزی می خواهد که دیوان دآوری در مورد هر پرونده حکمی صادر کرده، و دولت ایالات متحده و بانک خواننده آمریکائی را متضامنا "ملزم گرداند که وجه اعتبارات اسنادی را پرداخت و خسارات وارده به طرف ایرانی در نتیجه عدم پرداخت وجه اعتبارات اسنادی را جبران نماید.

بعلاوه بانک مرکزی به بند ۱۷ بیانیه عمومی اشاره کرده و از دیوان می خواهد که

صلاحیت خود جهت رسیدگی به کلیه دعاوی بانکهای ایرانی مربوط به اعتبارات اسنادی صادره توسط بانک های آمریکائی و موسسات مالی آمریکا را احراز نماید. بانک مرکزی در تائید درخواست خود اظهار می دارد که دیوان داورى به موجب بند ۲ (ب) سند تعهدات دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزیره ("سند تعهدات")، جهت رسیدگی به کلیه این قبیل دعاوی صلاحیت دارد.

سوم - ادعاهای طرفین

پاراگراف ۲ (ب) سند تعهدات که دولت ایران در تائید ادعای خود دایر بر صالح بودن دیوان داورى جهت رسیدگی به دعاوی بانکهای ایرانی مبتنی بر اعتبارات اسنادی احتیاطی، بدان استناد می کند به شرح زیر می باشد:

۲ - با تائید ایران مبنی بر تاملش به پرداخت کلیه بدهیهایش و بدهیهای موسسات در اختیارش، بانک مرکزی الجزایر بر اساس مفاد پاراگراف ۱ فوق، دستورات ذیل را "به بانک مرکزی" صادر خواهد کرد:

ب - نگاهداری ۱/۴۱۸ میلیارد دلار در حساب امانی مخصوص بمنظور پرداخت اصل بازپرداخت نشده و بهره متعلقه نسبت به وامها و اعتباراتی که در پاراگراف "الف" فوق مذکور گردیده و پس از مصرف مبلغ ۳/۶۶۷ میلیارد دلار آمریکا و همچنین نسبت به پرداخت سایر بدهیهای مربوط به موسسات بانکی آمریکا و یا تضمین شده بوسیله دولت ایران، سازمانها، موسسات و واحدهای تحت اختیارش که تاکنون پرداخت نشده و همچنین بمنظور پرداخت مبالغ مورد اختلاف در مورد سپردهها، دارائیهها و بهره متعلقه به سپردههای ایران در موسسات بانکی آمریکا.

بانک مرکزی ایران و موسسات مربوطه ایالات متحده بفوریت جهت توافق در مورد مبالغ متعلقه ملاقات خواهند کرد.

در صورت حصول چنین توافقی بانک مرکزی و موسسه بانکی مربوطه مبالغ متعلقه را به بانک مرکزی الجزایر اعلام و تأیید خواهند نمود که آن بانک نیز ببا نـک انگلیس جهت بستن کار نمودن مبالغ مذکور بحساب بانک مرکزی ایران و یا فدرال رزرو بانک نیویورک جهت پرداخت به موسسه بانکی مربوطه دستور خواهد داد. در صورتیکه طی ۳۰ روز هریک از موسسات بانکی آمریکا و بانک مرکزی ایران نتوانند در مورد مبالغ متعلقه به توافق برسند هریک از طرفین می تواند این اختلاف را به حکمیت الزام آور (لازم الاجراء) توسط هیئت داورى بین المللى بطریقى که مورد توافق طرفین باشد ارجاع نماید و یا در صورتیکه چنین توافقی تا ۳۰ روز پس از ارجاع مسئله بحکمیت حاصل نگردد به هیئت حل و فصل دعاوی ایران و آمریکا رجوع کند.

رئیس هیئت حکمیت و یا هیئت داورى مبلغى را که می بایست در اختیار ذینفع قرار گیرد به بانک مرکزی الجزایر اطلاع خواهد داد که بانک مرکزی الجزایر نیز بنوبه خود به بانک انگلیس دستور خواهد داد که این مبالغ را به بستن کار حساب بانک مرکزی ایران و یا حساب بانک فدرال رزرو نیویورک جهت پرداخت بموسسات بانکی مربوطه منظور نماید.

هنگامیکه کلیه اختلافات یا از طریق توافق و یا بوسیله حکمیت حل و فصل گردید و پرداختهای مربوطه انجام شد، مانده مبالغ مذکور در پی را گراف "ب" بانک مرکزی ایران پرداخت خواهد شد.

ایالات متحده مدعی است که دیوان داورى جهت رسیدگی به دعاوی بانکهای ایرانی مبتنی بر اعتبارات اسنادی احتیاطی در حدی صلاحیت دارد که این دعاوی بنحوصحیح به صورت دعاوی متقابل در قبال ادعاهای اتباع ایالات متحده که در دیوان داورى مطرح بوده و دیوان جهت رسیدگی بدانها صلاحیت داشته باشد، اقامه شود.

ایالات متحده در تائید این مدعا استدلال می کند که دعاوی مبتنی بر اعتبارات اسنادی احتیاطی دعاوی مستقیم واحدهای تابعه دولت ایران علیه اتباع ایالات متحده محسوب می شود و دیوان عمومی قبلا در تصمیم مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۸۱ (۳۰ آذرماه ۱۳۶۰) خود در مورد پرونده شماره الف-۲ مقرر داشته است که این قبیل دعاوی فقط به صورت دعاوی متقابل در حیطه صلاحیت دیوان قرار می گیرند. ایالات متحده در تائید موضع خود استدلال زیر را عنوان می کند:

۱- متن بند ۱ ماده دویسیا نیه حل و فصل دعاوی صریحا " مقرر می دارد که ادعاها و ادعاهای متقابل در صورتی در حیطه صلاحیت دیوان داور قرار می گیرند که از "... قرارداد (منجمله معاملاتی که موضوع اعتبارات اسنادی یا ضمانت نامه های بانکی است) ناشی شوند. این تنها موردی است که در بیانیه های الجزیره به اعتبارات اسنادی اشاره شده و درج آن بنا به درخواست ایران صورت گرفته است. مفاد این بند دلالت بر آن دارد که دولتین موافقت کرده اند که صلاحیت رسیدگی به دعاوی مبتنی بر اعتبارات اسنادی توسط بانکهای ایرانی را فقط در صورتی به دیوان داور تفویض نمایند که این دعاوی به صورت ادعاهای متقابل در برابر دعاوی اتباع ایالات متحده مطرح شود. استناد ایران به بند ۲ (ب) سند تعهدات لزوما " بدین معنی است که دولتین جهت رسیدگی به همان دسته از دعاوی مبنای صلاحیت دومی پیش بینی کرده اند زیرا دعاوی مشمول آن بنده می تواند توسط هیئت داورى جداگانه ای مورد بررسی واقع شود. تفسیری که ایران از این بنده می کند با پیش فرض اساسی شکلی مقرر در بند ۱ ماده دوم بیانیه حل و فصل دعاوی مغایرت دارد. مقصود از این پیش فرض این بوده است که کلیه دعاوی ناشی از اعتبارات اسنادی احتیاطی و معامله ای که مبنای صدور آن ها بوده، طی یک رسیدگی واحد فیصله یافته و از رسیدگیهای متعدد به همان مسئله اجتناب شود.

۲- بند ۲ (ب) یک حساب دلاری ("حساب دلاری شماره ۲") به منظور پرداخت پاره ای دعاوی ایجاد می نماید. از طرز نگارش بند ۲ (ب) کاملاً پیداست که شرایط

مربوط به صلاحیت مندرج در آن بند منحصرا " به اختلافات مربوط به مطالب قابل پرداخت از حساب دلاری شماره ۲ اشاره دارد. دولتین توافق دارند که ادعاهای بانکهای ایرانی مبتنی بر اعتبارات اسنادی احتیاجی از حساب مزبور قابل پرداخت نیست.

۳ - در مراحل نهائی مذاکرات مربوط به سند تعهدات، تعدادی از بانکهای آمریکائی موافقت کردند که مبلغ ۱۳۰ میلیون دلار دیگر به حساب دلاری شماره ۲ منتقل سازند. این مبلغ معادل "مبالغ مورد اختلافی" بود که ایران بابت بهره سپرده های خود نزد شعب خارجی بانک های آمریکا مطالبه می کرد. غرض از عبارت "مبالغ سپرده، دارائیها و بهره احتمالی مورد اختلاف متعلقه به سپرده های ایران،" این بود که موضوع محدود به اختلافات مربوط به این ۱۳۰ میلیون دلار یا اختلافات مربوط به سپرده ها و دارائیهای نزد شعب خارجی بانک های آمریکا باشد که بابت آنها بهره مورد اختلاف محاسبه شده بود.

۴ - اعتبارات اسنادی فقط هنگامی مشمول مفاد بند ۲ (ب) می شوند که از لحاظ صلاحیت اعتبارات مزبور نزد موسسات بانکی آمریکا به عنوان "دارائی" تلقی گردند. موعده بسیاری از اعتبارات اسنادی در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیمه ماه ۱۳۵۹) منقضی و بقیه اعتبارات اسنادی نیز طبق مقررات دولت ایالات متحده مسدود شده بود. بنا بر این اعتبارات اسنادی که قانونا " قابل برداشت نبودند، نمی توان بر اساس کاربرد عادی کلمه "دارائی" خوانند. بهمین ترتیب، اعتبارات اسنادی مطالبه نشده را عرفا " نمی توان "دارائی" تلقی کرد و اعتبارات اسنادی مزبور جزو "اقلام دارائی" موسسات بانکی آمریکا محسوب نمی شوند. از این رو، نمی توان قبول کرد که قصد دولتین این بوده است که صرفا " با استفاده از کلمه "دارائیها" صلاحیت رسیدگی به دعای مبتنی بر اعتبارات اسنادی اتکالی را به دیوان داورى تفویض نمایند.

۵ - ایالات متحده همچنین اظهار می دارد که ادعاهای مبتنی بر نقض بیانیسه های

الجزیره که علیه آن اقامه می شود باید طبق بند ۳ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی به عنوان اختلاف مربوط به تفسیر و اجرای بیانیه های الجزیره در دیوان داوری مطرح گردد. ایالات متحده مدعی است که ایران در واقع قبلاً چنین پرونده ای را به ثبت رسانده، چه ایران ضمن یکی از دعاوی مطروح در پرونده شماره الف-۱۵ ایالات متحده را بابت عدم پرداخت اعتبارات اسنادی احتیاطی بر مبنای این تئوری که ایالات متحده بیانیه های الجزیره را نقض کرده است مسئول قلمداد می کند. از این رو، ادعاهای مبتنی بر اعتبارات اسنادی علیه دولت ایالات متحده آمریکا باید مردود شناخته شود، زیرا که ادعاهای مزبور تکرار ادعاهای فوق الذکر در پرونده شماره الف-۱۵ است.

ایران چنین استدلال می کند که ادعاهای بانکهای ایرانی مبتنی بر اعتبار اسنادی طبق شرایط مقرر در سندی تعهدات به ویژه بند ۲ (ب) آن در دیوان داوری مطرح گردیده است. ایران معتقد است که طرفین در بیانیه های الجزیره برای اختلافات بانکی وضعیت خاصی قائل شده اند و سندی تعهدات موافقتنامه ویژه ای به شمار می رود که این قبیل اختلافات بانکی را تعریف کرده و برای حل و فصل و پرداخت آنها مکانیسم های خاصی را پیش بینی کرده است. ایران در تائید اظهارات خود استدلالاتی به شرح زیر ارائه می کند:

۱ - دلیلی وجود ندارد که بیانیه حل و فصل دعاوی و سندی تعهدات نتوانند هر دو موضوع صلاحیت رسیدگی به دعاوی مربوط به اعتبارات اسنادی را مقرر دارند. قصد دولتین به هنگام توافق درباره متن سندی تعهدات در واقع این بود که مبنای خاص دیگری را در باب صلاحیت رسیدگی به دعاوی فیما بین بانکها برای دیوان داوری ایجاد نکنند. اختلافات موجود بابت این قبیل دعاوی باید کلاً طبق مفاد سندی تعهدات حل و فصل گردد.

۲ - شرایط مربوط به صلاحیت مندرج در سندی تعهدات شرایط خاصی است که شرایط کلی مندرج در بیانیه حل و فصل دعاوی را نسخ می کند. با توجه به عرف

متداول تجارت بین المللی که طبق آن رسیدگی به حقوق و مسئولیتهای ناشی از این قبیل اعتبارات اسنادی بطور علیحده و مستقل از حقوق و مسئولیت های ناشی از قرارداد مبنای صدور چنین اعتبارات اسنادی صورت می گیرد، این مبنای ثانوی و مستقل صلاحیت جهت رسیدگی به دعاوی مبتنی بر اعتبارات اسنادی احتیاطی طبیعی به نظرمی رسد.

۳ - شرایط مربوط به صلاحیت مندرج در بند ۲ (ب) سند تعهدات تنها ناظر به اختلافات مربوط به مطالب قابل پرداخت از حساب دلاری شماره ۲ نیست. به فرض که بیهانه های الجزیره برای طبقات خاصی از دعاوی تضمین هائی مقرر داشته باشد، این موضوع ارتباطی با تفسیر شرایط صلاحیت مربوط به این قبیل دعاوی ندارد.

۴ - دعاوی مبتنی بر اعتبارات اسنادی را باید طبق مدلول و مضمون بند ۲ (ب) سند تعهدات به عنوان "دارائی" محسوب کرد. بسیاری از دارائی های مذکور در بیهانه های الجزیره قبل از تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیمه ۱۳۵۹) صدور شده بود. معذک، ایالات متحده متعهد شد که قسمت اعظم دارائیهای مزبور را به ایران انتقال دهد و انتقال هم داد. صدور شدن اعتبارات اسنادی طبق دستور دگاه یا مقررات دولتی در ایالات متحده، این واقعیت اساسی را که حقوق مالی ناشی از اعتبارات اسنادی دارائیهای متعلق به ایران بوده هستند، تغییر نمی دهد.

۵ - رویه ای که بعداً "در مصالحه دعاوی به موجب سند تعهدات اتخاذ شد، نشان میدهد که دعاوی ایران علیه موسسات بانکی ایالات متحده در حیطه صلاحیت دیوان قرار دارد. طرفهای شرکت کننده در مذاکرات بین بانکیها نه تنها اختلافات مربوط به ادعاهای سوای ادعاهای قابل پرداخت از محل حساب دلاری شماره ۲ و از جمله ادعاهای مبتنی بر اعتبارات اسنادی را مورد بررسی قرار داده اند، بلکه این قبیل مصالحه ها را ایالات متحده از طریق بانک فدرال رزرو تصویب کرده است. لیکن، اشاراتی که در اسناد مصالحه و ترتیبات

متخذه در مورد پرداخت به سند تعهدات می‌شود، نشان می‌دهد که تصور طرفین نیز این بوده که مطابق با مفاد سند تعهدات عمل می‌کرده‌اند.

در مورد روشی که دیوان دآوری باید در مورد رسیدگی به دعاوی بانکهای ایرانی مبتنی بر اعتبارات اسنادی احتیاطی اتخاذ نماید، ایالات متحده و خواننده دیگر پرونده شماره ۵۹۱ درخواست می‌کنند که هر یک از ادعاهای مبتنی بر اعتبارات اسنادی ایران که بالقوه به یکی از ادعاهای مطروحه یکی از اتباع ایالات متحده مربوط است، فوراً "مشخص گردیده و به شعبه‌ای ارجاع شود که ادعای تبعه مزبور را در دست رسیدگی دارد. بدنبال آن، شعبه باید معلوم نماید که ادعای مبتنی بر اعتبارات اسنادی ایران قانوناً "به عنوان ادعای متقابل نسبت به دعوی تبعه ایالات متحده قابل طرح می‌باشد یا خیر. بنا به اظهار ایالات متحده طرح این قبیل دعاوی مبتنی بر اعتبارات اسنادی به عنوان ادعای متقابل تنها در صورتی میسر است که از بانک ایرانی در دادخواست پیمانکار آمریکایی به عنوان خواننده اسم برده شده باشد. ادعاهای قابل طرح به عنوان دعوی متقابل باید از کلیه جهات با ادعای پیمانکار تلفیق شوند. تقاضای ایالات متحده این است که کلیه دعاوی مبتنی بر اعتبارات اسنادی احتیاطی ایران که با ادعای مربوطه یکی از اتباع ایالات متحده قابل تلفیق نباشد، به دلیل خارج بودن از حیطه صلاحیت دیوان دآوری، مردود شناخته شوند. علاوه بر این، ایالات متحده پیشنهاد می‌کنند که با یدهم به بانک ما درکننده و هم به بانک ایرانی تضمین کننده اجازه داده شود که داد و طلبانه در جریان رسیدگی به اعتبارات اسنادی احتیاطی شرکت نمایند.

ایران به رویه پیشنهادی مزبور اعتراض کرده و استدلال می‌نماید که بانکهای آمریکایی طرف اعتبارات اسنادی تقبیل کرده اند که به محض دریافت یک درخواست منطبق با مقررات، ظرف مدت معینی، بی درنگ وجه را به بانک ایرانی تضمین کننده پرداخت نمایند. ایران مدعی است که بانکها وظیفه ندارند در بنابر وجود اختلاف احتمالی بین طرفهای قرارداد تحقیق و تحس کنند. ایران همچنین متذکر می‌شود که اصولاً کسب کردن پرداخت

اعتبار اسنادی به حل اختلاف بین طرفهای قرارداد اصلی مغایر با قصد طرفهای مزبور می باشد.

چهارم - ماهیت دعوی

در این پرونده از دیوان داورى درخواست شده است که حدود صلاحیت خود جهت رسیدگی به دعاوی بانکهای ایرانی مبتنی بر اعتبارات اسنادی احتیاطی را تعیین کند. دیوان داورى در تصمیم مورخ ۲۱ ژانویه ۱۹۸۲ (اول بهمن ماه ۱۳۶۰) خود نظر داده که طبق بیانیه حل و فصل دعاوی جهت رسیدگی به دعاوی مستقیم ایران علیه اتباع ایالات متحده صلاحیت ندارد. از این رو، تاجائی که ادعاهای اعتبار اسنادی بانکهای ایران علیه ایالات متحده بر بیانیه حل و فصل دعاوی مبتنی باشد، دیوان داورى جهت رسیدگی به آنگونه دعاوی صلاحیت ندارد. این واقعیت که بانکهای آمریکای صاحب ادعا با طرفهایی که مشمول صلاحیت دیوان داورى هستند دارای مسئولیت مشترک اند، موجب آن نمی شود که دیوان جهت رسیدگی به دعاوی مطروح علیه بانکها صلاحیت داشته باشد. در بیانیه حل و فصل دعاوی هیچگونه شرطی وجود ندارد که به موجب آن صلاحیت دیوان نسبت به طرفهای غیر وابسته به دولت، نظیر یک بانک خصوصی صرفاً "به این دلیل که مسئولیت مشترک با طرفی دارد که تابع صلاحیت دیوان است، تسری داده شده باشد.

تاجائیکه اینگونه دعاوی حسب ادعا بر بند ۲ (ب) سند تعهدات مبتنی است، نظر دیوان داورى آن است که سند تعهدات به دلایل مشروح زیر صلاحیت رسیدگی به این قبیل دعاوی را به دیوان نداده است:

بند ۲ (ب) یک حساب امانی با موجودی ۱/۴۱۸ میلیارد دلار به وجود آورده که از آن به نام "حساب دلاری شماره ۲" یاد می شود. "غرض از ایجاد آن پرداخت سه دستمزد دعاوی بانکی است. دودسته اول شامل دعاوی بانکهای آمریکائی علیه ایران مبتنی بر بدهی وامهای غیرسندیکائی و هرگونه بدهی مبتنی بر وامهای سندیکائی است که

پس از انتقال مبلغ ۳/۶۶۲ میلیارد دلار طبق بندالف (۲) سند تعهدات به بانک
فدرال رزرو نیویورک، جهت انتقال به بانکهای مزبور باقی بماند. دسته سوم
"مبالغ ما به الاختلاف سپرده ها، دارائیهها و هرگونه بهره متعلقه به سپرده های ایران
در موسسات بانکی آمریکا" را در بر می گیرد. قرار بر این بود که بانک مرکزی و هر
یک از موسسات بانکی آمریکائی ذینفع جهت "توافق درباره مبالغ مورد بدهی" تماس
حاصل نمایند. در صورت عدم حصول توافق درباره "مبالغ مورد بدهی" هر یک از طرفین
می تواند "اختلاف مزبور" را به داوری الزام آور، منجمله تحت تشریفات خاصی، جهت
داوری به این دیوان ارجاع نماید. بنا بر این، بند ۲ (ب) تنها صلاحیت رسیدگی به
اینگونه اختلافات مربوط به مبالغ مورد بدهی را به دیوان داوری تفویض کرده است.
"مبالغ مورد بدهی" یاد شده مربوط به انواع خاصی از دعاوی بانکی است که در بند
۲ (ب) ذکر شده و از محل حساب دلاری شماره ۲ قابل پرداخت می باشند. لذا، چون تنها
"اختلافات" مصرح در بند ۲ (ب) قابل ارجاع به داوری است، بنا بر این فقط همان
اختلافات مشمول صلاحیت مندرج در آن بند است.

بانکهای ایران و ایران توجه خود را به نحوه انشاء "مبالغ مورد اختلاف سپرده ها،
دارائیهها و هرگونه بهره متعلقه به سپرده های ایران در موسسات بانکی آمریکا" و به
ویژه به کلمه "دارائیهها" متمرکز می سازند. واضح است که اعتبارات اسنادی
احتیاطی مورد بحث نه "سپرده" محسوب می شود و نه "بهره بابت سپرده های ایران".
"دارائی" محسوب شدن یا نشدن آنها، به نحوی که این کلمه در سند تعهدات به کار رفته،
باید مطابق با معنای مصطلح کلمه در مضمونی که مورد استفاده قرار گرفته و در برتو
هدف و منظور شروط مربوط، معلوم گردد. دیوان داوری نیازی ندارد که مشخص نماید
که آیا دارائی کلا "واجدانچنان معنی بسیطی هست که اغلب یا همه انواع اموالی را که
مورد نظر بانک های ایران و ایران است در بر گیرد. استفاده از عبارات "سپرده ها"
و "بهره بابت سپرده های ایران" علاوه بر استفاده از کلمه "دارائیهها" در بند ۲ (ب)
ظاهرا "حاکم از آنست که برای کلمه اخیر معنی خاص و دقیقتری در نظر گرفته شده و الا
"دارائیهها" سپرده ها و بهره را نیز شامل می شد. اما به فرض که اعتبار اسنادی اصلا
دارائی هم باشد، از حیث کاربرد کلمه "دارائیهها" در سند تعهدات و قسمتهای

دیگریانیه‌های الجزیره، روشن است که اعتبارات اسنادی احتیاطی جزو گسروه "مبالغ ما به الاختلاف... دارائیهها..." که در بند ۲ (ب) سند تعهدات آمده، به شمار نمی‌آید. اعتبارات اسنادی اتکائی چیزی نیست که بتوان آن را "جزو موجودی" یک موسسه بانکی محسوب کرد. در بیانیه عمومی قبل از بند ۶ سرفصلی وجود دارد تحت عنوان "دارائیه‌های نزد شعب بانکهای آمریکائی در آمریکا". این دارائیه‌ها در بند ۶ به صورت "سپرده‌ها و اوراق بهادار ایران نزد موسسات بانکی آمریکاساز آمریکا، به انضمام بهره متعلقه به آنها" تعریف شده است. هر چند سرفصلهای مطالب لزوماً "تعیین کننده نیستند، سرفصل مزبور در این مورد مشعر بر آن است که منظور طرفین این نبوده است که "دارائیه‌های نزد موسسات بانکی آمریکا" شامل حقوق باظرب اعتبارات اسنادی نیز باشد. اما، اعتبارات اسنادی اتکائی که قبلاً از تاریخ بیانیه‌های الجزیره مطالبه شده‌اند، یا پرداخت گردیده و یا دستور منسوخ پرداخت آنها صادر شده است و بنا بر این دارائی محسوب نمی‌شوند. اما در مورد اعتبارات اسنادی که بعد از تاریخ بیانیه‌های الجزیره مطالبه شوند، هیچگونه نشانه‌ای حاکی از اینکه موسسات بانکی آمریکا واقعا "جوهری به آنها تخصیص داده باشند، در دست نیست.

ایجاد حساب دلاری شماره ۲ مذکور در بند ۲ (ب) سند تعهدات یک ترتیب مستقل علیحده جهت مصالحه کلی و متقابل کلیه اختلافات مربوط به دعاوی بانکی به شمار نمی‌آید. این حساب جهت پرداخت بدهیهای ایران ایجاد شده و مقصودی را برآورده می‌کند که مشخصاً "در جمله اول بند ۲ ذکر شده است بدین شرح که "... با تأیید ایران مبنی بر تمایلش به پرداخت کلیه بدهیهایش و بدهیهای موسسات در اختیارش، بانک مرکزی الجزایر... دستورات ذیل را به بانک مرکزی صادر خواهد کرد..."

بند ۲ (ب) جزو این دستورات است و تفسیر آن باید بنحوی باشد که این مقصود را برآورده کند.

به طوری که در بالا ملاحظه شد، مضمون بخشهای دیگر بند ۲ (ب) و مضمون سایر قسمت‌های بیانیه‌های الجزیره و اسناد مربوط موبد این نتیجه‌گیری است که بند ۲ (ب) تنها به

اختلافات مربوط به مبالغ قابل پرداخت از حساب دلاری شماره ۲ مربوط است .

نحوه پرداخت مبالغ بدهی در رابطه با بند ۲ (ب) مشخص شده است . بند ۲ (ب) به رئیس دیوانداری که دعوی را استماع می کند اختیار می دهد که "مبلغ بدهی را که دیوان مشخص کرده به اطلاع بانک مرکزی الجزایر برساند" ، و بانک مرکزی الجزایر متعاقبا "به بانک انگلیس دستور پرداخت صادر نموده و بانک انگلیس آن مبلغ را از حساب دلاری شماره ۲ می پردازد . بند ۲ (د) ترتیبات فنی منعقد در تاریخ ۲۵ ژانویه ۱۹۸۱ (۳۰ دیماه ۱۳۵۹) فیما بین بانک مرکزی الجزایر ، رئیس کل و شرکت بانک انگلیس و بانک فدرال رزرو نیویورک مقرر می دارد که وجوه حساب دلاری شماره ۲ تا پایان عملیات فقط به بانک فدرال رزرو نیویورک قابل پرداخت است و پس از پایان عملیات "مانده وجوه" در آن حساب به بانک مرکزی پرداخت خواهد گردید .

ادله و مدارک عرضه شده در این پرونده حاکی است که مبلغ ۱/۴۱۸ میلیارد دلار موجود در حساب دلاری شماره ۲ مبلغی تقریبی است که ظاهرا " برای پرداخت کلیه دعاوی مجاز طبق بند ۲ (ب) کافی می باشد . برخلاف حساب تضمینی مقرر در بند ۲ بیانه عمومی ، برای تامین کسری حساب دلاری شماره ۲ مکانیزمی پیش بینی نشده است .

بانکهای ایران اذعان دارند که پرداخت وجوه احکام ناشی از دعاوی مبتنی بر اعتبارات اسنادی احتیاطی نباید از محل حساب دلاری شماره ۲ صورت گیرد . کلیه وجوه حساب مزبور به نام ایران نزد بانک های آمریکائی نگاهداری می شده است . پرداخت از حساب دلاری شماره ۲ بابت دعاوی بانکهای ایرانی مبتنی بر اعتبارات اسنادی احتیاطی در تضاد با مکانیسمی است که در سند تعهدات و ترتیبات فنی ایجاد گردیده و عملا "منجر بدان می شود که پرداخت دعاوی ایران با پولی که ایران خود را صاحب آن می شمرده یا خود را مستحق دریافت بهره متعلقه به آن می داند ، صورت پذیرد .

علاوه بر این ، به نظرمی رسد که دعاوی مورد اشاره در بند ۲ (ب) ، نظریه طبیعتشان در زمره ادعاهائی بودند که به فوریت حل می شدند . بدین جهت ، بند ۲ (ب) مقرر می دارد که "بانک مرکزی و موسسات بانکی آمریکائی ذی علاقه به منظور حصول توافق

درمبالغ موردبدهی باید بی درنگ با یکدیگر تماس گیرند. (تاکیدافزوده شده است) چنانچه ظرف ۳۰ روز توافق بعمل نیاید، مسئله را می توان به داوری ارجاع نمود. پس از مرتفع شدن کلیه دعاوی، مانده حساب دلاری شماره ۲ به بانک مرکزی انتقال داده خواهد شد. از سوی دیگر، در بیانیه حل و فصل دعاوی، جهت مذاکرات حل و فصل، شش ماه به اضافه یک مهلت سه ماهه دیگر، فرجه داده شده است و تنها پس از انقضای این مدت است که می توان دعاوی را به ثبت رساند. بعلاوه، چون بسیاری از دعاوی مربوط به اعتبارات اسنادی احتیاطی موضوع پرونده های متنازع فیله در دادگاههای آمریکا و سایر مراجع بوده و اکثر آنها در تاریخ انعقاد بیانیه های الجزیره مطالبه نشده بود، بعید است که منظور دولتین این بوده باشد که با استفاده از مکانیسم سریع پیش بینی شده در بند ۲ (ب) آنها را تصفیه کنند.

تنها اشاره صریحی که در بیانیه های الجزیره به دعاوی مبتنی بر اعتبارات اسنادی احتیاطی شده، مطلبی است که در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی قید گردیده که به موجب آن اینگونه دعاوی در صورتی قابل طرح می باشند که سایر شروط قبلی مربوط به صلاحیت در مورد آنها احراز شده باشد. با اینکه ممکن است دیوان هم به موجب بیانیه حل و فصل و هم طبق بند ۲ (ب) صلاحیت داشته باشد، اشاره خاص در بیانیه حل و فصل دعاوی مشعر بر آنست که نظر طرفین آن بوده به دعاوی اعتبارات اسنادی احتیاطی به موجب بیانیه حل و فصل دعاوی رسیدگی شود. صلاحیت دیوان داوری مبتنی بر توافق دولتین و به گونه ای است که در بیانیه های الجزیره مقرر گردیده، ونمی توان برای دیوان صلاحیتی بسیط تر از آنچه که مشخما " در توافق پیش بینی شده است، قائل گردید. همانطور که دیوان در تصمیم خود در مورد پرونده شماره الف - ۲ خاطر نشان ساخته است، طرفین فهرست بسیار دقیقی از دعاوی و ادعاهای متقابل قابل طرح در دیوان، تهیه کرده اند. برای اینکه دیوان جهت تصمیم در باره اختلافات به طور کلی، منجمله اختلافات مربوط به اعتبارات اسنادی احتیاطی، صلاحیت داشته باشد، مبنای صلاحیت آن باید گسترده تر و صریح تر از آنچه که در مضمون خاص و محدود سند تعهدات مقرر گردیده است، باشد.

علاوه بر این هیچگونه دلیل یا نشانه‌ای در دست نیست که حاکی از رعایت تشریفات بند ۲ (ب) توسط طرفین باشد. در واقع، در دعای اعتبارات اسنادی احتیاطی بانکهای ایران اشاره‌ای بدان نرفته که بند ۲ (ب) مبنای احراز صلاحیت دیوان بوده است. تعدادی از دعای توسط بانکهای غیر از بانک مرکزی مطرح شده، در حالی که بانک مرکزی تنها بانکی است که طبق رویه متخذه در بند ۲ (ب) مجاز به اقامه دعوی است. بعد از اعلام تصمیم دیوان داوری در مورد پرونده شماره الف-۲ و پس از ثبت دعای بود که بانک مرکزی نامه‌ای تهیه و به هر یک از دعای اعتبارات اسنادی پیوست نمود و ضمن آن مدعی شد که دیوان طبق بند ۲ (ب) سند تعهدات واجد صلاحیت رسیدگی می‌باشد. این بدان معنی است که بدواً "منظور بانکهای ایران این نبوده است که بند ۲ (ب) مبنای صلاحیت باشد. بانک مرکزی در نامه مزبور متذکر گردیده است که به عنوان "نماینده (از طرف) کلیه بانکها، واحدها، موسسات و شرکت‌های دولتی یا تحت کنترل دولت جمهوری اسلامی ایران" عمل می‌کند. چنانکه در بالا ذکر شد، سند تعهدات فقط از بانک مرکزی و موسسات بانکی آمریکا به عنوان طرفهای مجاز نام برده است، طرفهایی که بانک مرکزی مدعی اقدام از جانب آنها است، طبق سند تعهدات طرفهای ذیربط نیستند. علاوه بر این، عدم پیش‌بینی برخورداری سایر بانکها یا واحدهایی که بموجب اعتبارات اسنادی ادعاهایی داشته‌اند از ترتیبات مقرر در سند تعهدات، خود حاکی از آنست که منظور آن نبوده است که اینگونه دعوی مشمول مفاد سند تعهدات باشد.

بانکهای ایران متذکر می‌شوند که رویه‌ای که بعداً "در مذاکرات مصالحه‌بین بانکهای ذینفع، اتخاذ شد، نشان می‌دهد که مفاد بند ۲ (ب) شامل اختلافات ناشی از اعتبارات اسنادی است.

توجه به نحوه اجرای یک عهدنامه بین‌المللی همراه با مضمون آن عهدنامه یک اصل پذیرفته شده در تفسیر عهدنامه است. لیکن، این رویه باید رویه‌ای باشد که طرفین عهدنامه اتخاذ می‌کنند و همین رویه است که توافق در مورد نحوه تفسیر عهدنامه را بین طرفین برقرار می‌سازد.

در حالیکه یکی از شرکت کنندگان در مذاکرات مصالحه، یعنی بانک مرکزی، یک واحد (دولتی) ایران است و لذا رویه‌ای که اتخاذ می‌کند قابل انتساب به ایران به عنوان یکی از طرفین بیانیه‌های الجزیره است، سایر شرکت کنندگان در مذاکرات مصالحه و خود مصالحه‌ها، یعنی بانکهای آمریکائی، واحدهای دولت ایالات متحده نبوده و رویه آنها قابل انتساب به ایالات متحده به عنوان طرف دیگر بیانیه‌های الجزیره نمی‌باشد. علاوه بر این، اشاره بانکهای آمریکائی و بانک مرکزی، در رابطه با مذاکرات مصالحه به موجب بند ۲ (ب) به اعتبارات اسنادی یا اختلافات مربوط به آنها دلیل بر آن نیست که اینگونه اختلافات مشمول مفاد بند ۲ (ب) می‌شود. ضمناً از این واقعیت که در پارهای از اسناد مصالحه یا در اسناد مربوط به مذاکرات مصالحه ذکری از اعتبارات اسنادی و سندی تعهدات به میان آمده، نمی‌توان استنتاج کرد که طرفین بیانیه‌های الجزیره موافقت کرده اند که ادعاهای مبتنی بر اعتبارات اسنادی مشمول مفاد بند ۲ (ب) می‌شوند. مدارکی که در دست دیوان است نشان می‌دهد که طرفه‌های شرکت کننده در این قبیل مذاکرات مصالحه اشارات کلی به سندی تعهدات کرده اند و قصدشان از این اشارات این نبوده است که کلیه دعوی فیصله یافته را مشمول مفاد بند ۲ (ب) قلمداد کنند، زیرا این مصالحه‌ها حتی به اختلافاتی که آشکارا خارج از قلمرو مفاد بند مذکور بوده نیز خاتمه داده است.

از این رو، بنا به دلایل پیش گفته، دیوان داوری بر این نظر است که بند ۲ (ب) سندی تعهدات قابل شمول به دعوی مبتنی بر اعتبارات اسنادی، نبوده و در نتیجه صلاحیت رسیدگی به این قبیل دعوی بانکهای ایران علیه بانکهای آمریکائی یا سایر اتباع آمریکا را به دیوان نمی‌دهد.

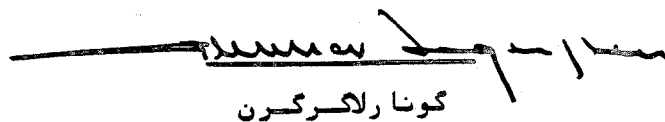
دولت ایالات متحده پیشنهاداتی ارائه کرده که از آن طریق بتوان دعوی بانکهای ایران را همراه با دعوی پیمانکاران آمریکائی استماع نمود. علاوه بر آن، دولت ایالات متحده استدلال نموده که اسم آن دولت از دعوی مربوط به اعتبارات اسنادی احتیاطی حذف شود، زیرا دعوی مذکور تکرار مسائل مطروح در پرونده شماره الف- ۱۵ علیه ایالات متحده است، که در آن ایران ایالات متحده را بابت عدم پرداخت اعتبارات

اسنادی احتیاطی مسئول شمرده است . دیوان داوری عقیده دارد که با یاد زتکرار دعاوی اجتناب گردد. این نکته که یک ادعای بانک ایرانی در مورد اعتبارات اسنادی احتیاطی قابل انضمام به عنوان یک ادعای متقابل علیه پیمانکار آمریکائی مربوط است یا خیر ، مطلبی است که هر یک از شعب باید طبق قواعدهای دیوان ناظر بر صلاحیت رسیدگی به دعاوی متقابل مورد بررسی قرار دهد . این وظیفه هر شعبه است که طبق قواعدهای دیوان داوری و بر اساس این تصمیم در هر مورد اقدامات لازم را معمول دارد .

تصمیم دیوان درباره این پرونده به ادعائی که ایران در پرونده شماره الف - ۱۵ علیه ایالات متحده به ثبت رسانده است ، لطمه نمی زند . در پرونده شماره الف - ۱۵ ایران ، از جمله ، مدعی است که قصور خودداری ایالات متحده در انتقال عواید پاره ای اعتبارات اسنادی احتیاطی به موجب بنیانه عمومی نقض تعهدات دولت ایالات متحده به شمار می آید .

نظر دیوان داوری در پرونده شماره الف - ۱۶ این است که دیوان جهت رسیدگی به دعاوی مستقیمی که توسط بانک های ایرانی علیه بانکهای آمریکائی به ثبت رسیده و این دعاوی ناشی از اعتبارات اسنادی احتیاطی صادره توسط بانکهای آمریکائی است ، صلاحیت ندارد . از این رو ، تصمیم دیوان داوری این است که دیوان جهت رسیدگی به ادعای مطروح در پرونده شماره ۵۹۱ علیه کراکرنشال بانک صلاحیت ندارد . پرونده شماره ۵۹۱ جهت ادا رسیدگی طبق تصمیم حاضر به شعبه دو مرجوع می گردد .

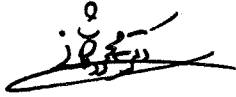
لاسه ، به تاریخ ۲۷ دسامبر ۱۹۸۳ برابر با ۶ دیماه ۱۳۶۲



گونا راکرگرن

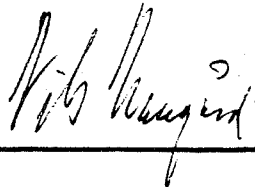
رئیس

بناام خدا

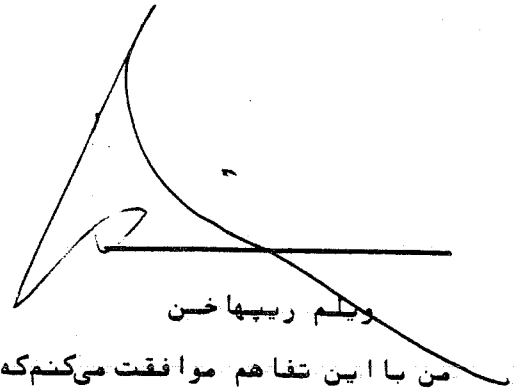


محمود کاشانی

نظر مخالف



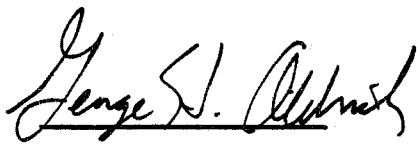
نیلس منگارد



ویلم ریباخن

من با این تفاهم موافقت می‌کنم که
تصمیم حاضر بر موضوع صلاحیت هریک
از شعب دیوان در مورد اخذ تصمیم در
باب ماهیت کلیه دعاوی و دعاوی
متقابل مرتبط با رابطه اصلی مطرح
نزد آنها که برای رسیدگی به آنها
صلاحیت دارند و بر اساس همین
صلاحیت می‌توانند مشخص سازند که آیا
مطالبه اعتبار اسنادی با تضمین
بانکی مربوط موجه می‌باشد یا موجه
نبوده است، تا شیرنا مطلوبی در
آینده نگذارد.

بناام خدا



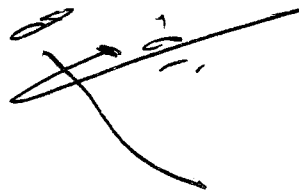
جرج اچ. آلدریچ



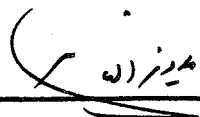
هوارد ام. هولتزمن

شفیع شفیعی

نظر مخالف



بناام خدا



پرویزاناری معین

نظر مخالف



ریچارد ام. ماسک